

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵
E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالگلپریان
تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰
E_mail: abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۶ خرداد ۱۳۸۸، ۲۷مای ۲۰۰۹

Iskraa_nkk@yahoo.com

منصور حکمت
www.m-hekmat.com

سر دبیر: منصور فرزاد - عبدالگلپریان

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



ایسکرا ۴۶۸

این جنگ و دعوا متعلق به جنبش دانشجویی نیست



عبدالگلپریان

کردستان نمی باشد. در پایان این بیانیه دانشجویان کرد خواهان آزادی همکلاسی هایشان شده اند و کرد ستیزی جمهوری اسلامی را بشدت محکوم کرده اند. (تأکیدها از من است)

در این نوشته کوتاه سعی می کنم این را نشان دهم که این بیانیه نظر و دیدگاههای دانشجویان در دانشگاههای کردستان را نمایندگی و منعکس نمیکند. در دانشگاههای کردستان دانشجویان چپ و سوسیالیست حضور و فعالیت دارند اما هنوز این حضور نتوانسته است در قامتی ظاهر شود که میدان را بر رواج اینگونه گرایشها که در این بیانیه موج می زند ببندد. در نوشته ای بتاريخ ۱۵ اسفند ۸۷ تحت عنوان "سخنی با دانشجویان چپ

صفحه ۳

بدنبال سفر خامنه ای به کردستان، در تاریخ دوم خرداد ۸۸ بیانیه ای به امضای دانشجویان دانشگاههای کردستان پیرامون این سفر منتشر شده است. در مورد این بیانیه در قبال سفر خامنه ای و اینکه این بیانیه چه طیفی را نمایندگی می کند و چه خواست و مطالبه ای را عنوان می کند، اشاره ای می کنم. گوشه هایی از این بیانیه چنین است:

آقای خامنه ای شما چگونه خود را نماینده مردم کردستان می دانید. در حالیکه ما سنی ها کوچکترین اعتقادی به ولی فقیه نداریم؟ چگونه است که شما در این سی سال بیشترین سرکوب و کشتار را علیه ما انجام داده اید و اکنون انتظار دارید ما شما را بعنوان رهبر خود ستایش کنیم؟ ما دانشجویان کردستان اعلام می داریم که کوچکترین دلبستگی به آقای خامنه ای نداریم و سفر وی و استقبال بسیجیان از وی حس واقعی مردم

مزدوران رژیم باز هم جنایت آفرینند

ضرب و شتم شدید سه تن از بازداشت شدگان اول ماه می

صفحه ۲

صفحه ۴



سمیر نوری

نمیشود و برابری زن و مرد، برابری شهروندان بدون در نظر گرفتن ملیت، مذهب و زبان مد نظر نیست، بلکه پارلمان کردستان و تعداد کرسیها بین عشیره ها و افراد منتسب به مذاهب مختلف تقسیم شده اند. نکته دوم اینکه کردستان بخشی از عراق است و انتخابات در چارچوبه حکومت سیاسی عراق و قوانین آن

صفحه ۲

مصاحبه ایسکرا با سمیر نوری در مورد انتخابات در کردستان عراق

واقعی مردم استوار نیستند و همواره بورژوازی برای مشروعیت دادن به حکومت سیاسی خود تلاش میکنند به نوعی رای مردم را پشت سر خود داشته باشد، اما انتخابات در کردستان عراق حتی عاری از آن ظاهر و سنتی است که بورژوازی در تاریخ انتخاباتی خود اتخاذ میکنند. برای روشنتر کردن نظرات ما لازم است که به چند نکته مهم اشاره کنم و دلایل را توضیح دهم. نکته اول اینکه این انتخابات بر اساس حق شهروندی برابر برگزار

اصل مصاحبه بزبان کردی است

ایسکرا: قرار است که در ۲۵ جولای انتخابات پارلمان کردستان عراق برگزار گردد. در حالیکه اکثر سازمانهای سیاسی در کردستان عراق در انتخابات شرکت میکنند شما این انتخابات را مضحکه نامیده اید. تحلیل شما چیست و به چه دلیل این انتخابات را مضحکه میدانید؟

سمیر نوری: گرچه اصولا انتخابات پارلمانی بر پایه اراده

انتخابات و تشکلات کارگری

آرامش دور هم جمع کنند و هر تبلیغی را که به حال خود مفید می دانند، انجام دهند. اما هر نشست و تجمع کارگری با سرکوب رو به رو می شود، حتی خیابان و پارک هم از مردم دریغ می شود و در طبیعی ترین جایی که کارگران می توانند بدون هزینه در آن جمع بشوند، مورد شبیخون و همه و سرکوب قرار می گیرند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه يك تشکل كاملا" صنفی و کارگری است و این سندیکا به واسطه آگاهی کارگران و با حمایت و حضور گسترده کارگران در سال ۱۳۸۴ تشکیل و کماکان تا

تشکل ما نیز از نهادی اجتماعی که همیشه باشد محروم است، حال آنکه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی دخالت گری و فعالیت سیاسی را حق مسلم تک تک افراد افراد جامعه دانسته و برآن است که کارگران سراسر ایران در صورت ارائه منشور کارگری کاندیداهای ریاست جمهوری و دادن تضمین عملی به شعارهای انتخاباتی در این رابطه، می توانند در انتخابات شرکت کنند یا نکنند. هر کدام از کاندیداهای تایید شده شورای نگهبان در صدها سالن سخنرانی، مسجد حسینیه و دانشگاه که قادرند حامیانشان را در

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه يك تشکل كاملا" صنفی و کارگری است و این سندیکا به واسطه آگاهی کارگران و با حمایت و حضور گسترده کارگران در سال ۱۳۸۴ تشکیل و کماکان تا به امروز با وجود فراز و نشیب و دشواری های فراوان به فعالیت خود ادامه می دهد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در مورد انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری از هیچ کاندیدایی حمایت نمی کند و حمایت از هر کاندیدایی را در حیطه فعالیت تشکل های مستقل کارگری نمی داند. در نبود آزادی احزاب، بالطبع

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مصاحبه ایسکرا با سمیر نوری

از صفحه ۱

صورت میگیرد که خود این حکومت، دولتی ملی - مذهبی - عشیره ای است و قوانین آن قومی - اسلامی است. پارلمان کردستان بخشی از این سیستم و همان راه و رسم را در پیش میگیرد.

نکته سوم اینکه نیروهای اصلی حاکم بر کردستان بویژه حزب دمکرات کردستان عراق برهبری بارزانی و اتحادیه برهبری جلال طالبانی از قبل مسئله را فیصله داده اند و برگزاری انتخابات و گرفتن مهر و امضا از مردم، تنها بمنظور مشروعیت دادن به حکومت این احزاب برای دوره بعد است و چیز بیشتری را نباید از آن انتظار داشت.

ایسکرا: این انتخابات برای ناسیونالیسم کرد که مدت ۱۷ سال قدرت را در دست دارد، چه اهمیتی دارد و در شرایط سیاسی کنونی انتخابات از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

سمیر نوری: احزاب ناسیونالیست تحت فشار ناراضیاتی شدید و اعتراض مردم قرار دارند و تاریخ حکومت ۱۷ ساله آنها، تاریخ چپاول و دزدی بوده و کلیه امکانات و ثروت جامعه را تحت کنترل خود در آورده اند. امکانات زیستی و دارائی مقامات به حد غیر قابل تصور بالا رفته در حالیکه مردم کارگر و زحمتکش از کمترین امکانات برخوردار هستند. مردم در کردستان نسبت به وضع موجود اعتراض دارند و ناراضیاتی مردم روز بروز گسترده شده است بطوریکه مسعود بارزانی میگوید "فقط این مانده که ما را مقصر آب و هوای بد بدانند." مسعود بارزانی میخواهد بگوید که اعتراضات مردم نسبت به حکومت آنها بی پایه و غیر منطقی

است در حالیکه در همین مثال نیز برطرف کردن مشکل آب کاملاً معده مقامات و ارگانهای حکومتی است. این وضعیت ناسیونالیسم کرد را دچار سرگردانی کرده و بخشی از آنها برای جلوگیری و خفه کردن اعتراضات، تلاش میکنند که خود را همرنگ مردم نشان دهند و بعنوان سخنگوی مردم ظاهر شوند.

از طرف دیگر جایگاهی که ناسیونالیسم کرد و مقامات در کردستان بدلیل خدماتشان به آمریکا و هم پیمانانش بدست آورده اند، بعد از جنگ اول زیر سوال رفته است. پشتیبانی آمریکا و دولتهای منطقه از تمامیت ارضی عراق و طرفداری از قدرتمند کردن و تمرکز حکومت در بغداد، حکومت ناسیونالیست را در موقعیت ضعیفی قرار داده است. انتخابات برای آنها راه حلی برای عبور در چنین شرایطی است و در عین حال مشروعیت دادن به حکومت خود برای دوره ای دیگر و تبدیل شدن به نماینده و سخنگوی مردم کردستان در ادامه سیاستهایشان و بند و بست هائی که در آینده به پیش خواهند برد و این در حالی است که انتخابات طبق برنامه و نقشه آنها پیش برود و صف بندی طبقاتی و قطب بندی قدرتمند و روشنتری شکل نگیرد.

ایسکرا: مردم در کردستان نزدیک به دو دهه با حکومت ناسیونالیست کرد و بویژه با اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق روبرو بوده اند هم اکنون اعتراض مردم به آنها از هر دوره دیگری بیشتر و روشنتر و به مقابله رو در رو انجامیده است. در این اوضاع اپوزیسیونی تحت عنوان تغییر و فرم شکل گرفته است. این اپوزیسیون تا چه حد به خواسته های

مردم نزدیک است؟

سمیر نوری: آنهایی که این شعارهای پر زرق و برق را بلند کرده اند، خودشان تا امروز هم بخشی از کاربدستانی بوده اند که برنامه و سیاستهایشان باعث مشکلات و فقر مردم بوده است. نه قبلاً سیاست متمایزی به پیش برده اند و نه حالا پلاتفرم متفاوتی از طالبانی و مسعود طرح کرده اند. اینها رهبران درجه دوم ناسیونالیسم کرد هستند که در نظر دارند با شعار "تغییر و سازندگی" وارد مبارزه سیاسی شوند. تا کنون حتی یک خواست واقعی مردم را طرح نکرده اند و در هیچ عرصه ای از زندگی مردم کردستان از ساده ترین خواست مردم دفاع نکرده اند. "تغییر" که شعار باراک اوباما در انتخابات آمریکا بود بعد از شکست نشو کنسرواتوینها مد شده است و در سراسر دنیا خیلی ها خود را به این شعار آویزان کرده اند. ریاکاری صاحبان این شعار در آمریکا خیلی زود روشن شد و در اولین هفته صدارت باراک اوباما ۷۸۷ میلیارد دلار مالیات دهندگان مردم در آمریکا را به دزدان و قماربازان وال استریت داد. حال در کردستان عراق افرادی چون نوشیروان مصطفی چه تغییری در زندگی مردم میخواهند بوجود بیاورند؟

کردستان در آستانه تغییر قرار دارد و احتیاج به تغییراتی جدی دارد. این تغییرات نه از طریق رای دادن و مضحکه انتخابات بدست میاید و نه توسط این نیروها. تغییر احتیاج به نیروی تغییر دهنده ای چون کمونیستها، طبقه کارگر، آزادیخواهان و سکولارها دارد.

ایسکرا: مسعود بارزانی گفته که "این ادعا درست نیست که خطر نیروهای خارجی در قبال کردستان تمام شده است هنوز این خطر وجود دارد" خطر خارجی را شما چگونه می بینی؟ از طرف دیگر اتحادیه میهنی و حزب دمکرات مشترکا

لیستی به نام لیست کردستان برای انتخابات اعلام کرده اند. نظر شما در این مورد چیست؟

سمیر نوری: همیشه و در هر شرایطی بورژوازی برای دور ننگ داشتن مردم از مسائل داخلی، خطر خارجی را مانند شمشیر داموکلس بالای سر مردم نگه میدارد. آنهایی را که مسعود بعنوان خطر خارجی طرح میکند، همپیمانان بارزانی و طالبانی هستند. اتحاد و هم پیمانی چهارجانبه که احزاب بارزانی و طالبانی دو طرف آن بودند قبلاً مانند دوست مردم معرفی میشدند و از همدیگر دفاع میکردند و مگر همینها نیستند که با هم حکومت میکنند.

مسعود بارزانی روزی نیست که بر علیه مالکی حرف نزند و دلیل آن فشاری است که مالکی به آنها آورده. اختلاف و تضاد آنها ربطی به اعتراض و خواست مردم در کردستان ندارد. همپیمانی اتحادیه و حزب دمکرات و استراتژی مشترک آنها در مقابل خطر خارجی نیست، آنها در برابر مردم کردستان نیروهایشان را سازمان میدهند و میخواهند در مضحکه ای که راه انداخته اند به مردم فرصت نفس کشیدن ندهند و میخواهند که همه چیز را تحت کنترل کامل خود در بیاورند.

ایسکرا: آیا این بنفع مردم کردستان نیست که نماینده های واقعی خود را معرفی کنند؟ آیا شما بعنوان یک حزب اگر در انتخابات شرکت کنید، میتوانید وزنه را به نفع مردم تغییر دهید؟ یا تحت هیچ شرایطی در انتخابات شرکت نخواهید کرد؟

سمیر نوری: ما یک حزب پارلمانی نیستیم و معتقدیم پارلمان راهی نیست که مردم بتوانند سرنوشت سیاسی خود را بنفع خود تغییر دهند. پارلمان محلی است

برای دست بدست کردن قدرت سیاسی بین نیروها و احزاب سرمایه داری رنگارنگ، به این معنی که نماینده های سیاسی بورژوازی دهها ارگان، قوانین و سنت را گذاشته اند که مانع این شوند که کسی دست به پایه ها و مقدمات آنها بزند و در شرایط سخت جلو صحنه میاورند که حاکمیت خود را از خطر مصون نگه بدارند. با این حال موضع ما در مورد انتخابات از این نظر نیست. ما بر این باوریم که انتخابات فعلی ادامه سناریوی خطرناکی است که نزدیک به دو دهه جامعه عراق و کردستان را در بر گرفته است. شرکت در انتخابات سهمی شدن در پروسه ای است که در قدم اول هویت انسانی را پایمال میکند. حزب شیوعی عراق بر کرسیهای شیعه در بغداد نشسته اند. نمیتوان در پروسه ای شرکت کرد که از قبل قومیت، عشیره بودن و مذهب را بر پیشانی انسانها حک کرده اند. این انتخابات استانداردهای شهروند برابر را زیر پا گذاشته است، تو نه بعنوان شهروند بلکه بعنوان نماینده قوم، قبیله، عشیره و مذهب معینی وارد انتخابات میشوی، به همین جهت نه تنها قادر به سنگین تر شدن وزنه به نفع طبقه کارگر نمیگردی، بلکه خود به بخشی از آن واقعیت تلخ تبدیل خواهی شد.

ما علیرغم اینکه میدانیم که نیروهای در قدرت تحمل این که مردم به حزب کمونیست کارگری چپ عراق و سوسیالیستها رای بدهند را ندارند، با اینحال اگر انتخابات طبق استانداردی که گفتم و آزاد برگزار گردد و امکانات برابر برای همه شرکت کنندگان در انتخابات وجود داشته باشد، مطمئن هستیم که شانس پیروزی کمونیستها بسیار بیشتر از احزاب بورژوازی است.

کمیته کردستان حزب ضمن تسلیت به خانواده وستگان عبدال عزیز عثمانی، این عمل جنایتکارانه مزدوران رژیم اسلامی را محکوم می کند و از همه مردم شهر و روستاهای حومه سردشت و از همه

جانیات مزدوران رژیم در مناطق مرزی به امری هر روزه تبدیل شده است. مزدوران حکومت در این مناطق جهمی بتمام معنا را برای مردم ساکن در شهر و روستاهای مرزی ایجاد کرده اند. باید جلو این جانیان را گرفت.

۲۰ اردیبهشت ۸۸ ماموران حکومت اسلامی در مرز "نودشه" طه سلیمی را که دارای دو فرزند بود کشتند. همچنین شب ۲۰ اردیبهشت ۸۸، نیروهای انتظامی مستقر در مرز سردشت جوان دیگری به اسم شیرزاد ملایی را کشتند.

مزدوران رژیم باز هم جنایت آفرینند

تیراندازی کرده و او را بقتل رسانیدند. این سومین جنایتی است که ظرف یک هفته گذشته در مناطق مرزی توسط نیروهای مزدور رژیم روی داده است.

بنا به خبری که به حزب رسیده است چند روز پیش "عبدال عزیز عثمانی" کارگر مرزی اهل روستای "کهنه خانه" از توابع سردشت، مزدوران حکومت بسوی ماشین او

این جنگ و دعوا متعلق به ...

از صفحه ۱

وسویالیست در دانشگاههای کردستان به این کمبود اشاره کرده بودم. این مطلب در لینک زیر قابل دسترسی است.

<http://www.rowzane.com/abdol.htm%20-%203/e-m2009>

اما نویسندگان و کسانی که به اسم دانشجویان دانشگاههای کردستان این بیانیه را نوشته اند، بنظر می رسد هنوز در عالم توهم نسبت به خامنه ای و حکومتش بسر می برند و باورشان شده است که گویا خامنه ای تلاش کرده است که خود را نماینده مردم کردستان بداند یا درستر این است بگویم نماینده صادر کنندگان بیانیه بداند. تا جائیکه به مردم کردستان بر می گردد از همان روز اول سرکار آمدن این حکومت تا به امروز توهمی به این حکومت و سرانش نداشتند و در مقابلش ایستاده اند اگر توهمی وجود داشته باشد در این بیانیه است. مردم سراسر کشور و بویژه مردم کردستان خامنه ای، مجلس نشینان و دیگر سران این حکومت را نه تنها نماینده خود ندانسته اند و نمی دانند بلکه آنها و حکومتشان را قاتلان مردم می دانند. دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور به خامنه ای لقب "پینوشه" اعطا کرده اند. دانشجویان در دانشگاههای تهران، شیراز، اصفهان، تبریز، کرمانشاه و بقیه شهرهای ایران، موسوی را موسوی ۶۷ لقب داده اند. یعنی در سال ۶۷ و در دوران نخست وزیری ایشان بود که قتل عامهای سال ۶۷ انجام گرفت. هر کدام از سران این حکومت از جانب مردم و بویژه دانشجویان در ایران، با جانی ترین شخصیتهای تاریخ مقایسه شده اند آنگامی بینیم که طیفی با نام دانشجویان دانشگاههای کردستان در بیانیه شان در اوج احتیاط و توهم پراکنی به گونه ای می خواهند این را القا کنند که نکند راستی راستی خامنه ای بخواهد خود را بعنوان نماینده مردم کردستان جا بزند. البته این القا کردن نگرانی این طیف است

نه مردم کردستان. لحن و بیانی که در این بیانیه فرموله شده است بدرجات زیادی دارد به خامنه ای امتیاز می دهد و تصویر توهم برانگیزی را در بیانیه شان به نمایش گذاشته اند. ادبیات، احساس و مطالبات این بیانیه، خواست و مطالبه طیفی است که می خواهد "اذان سنی" برای "قوم کرد" برسمیت شناخته شود. این نشاندهنده عمق ارتجاعی و قبیله گری این بیانیه است.

در جای دیگری در این بیانیه گفته شده است که: ما سنی ها کوچکترین اعتقادی به ولی فقیه نداریم

این بیان و این فرمولبندی نیز خواننده را بیاد دعوای جریانات مرتجع مذهبی نظیر مفتی زاده می اندازد که اختلافشان با خمینی و حکومت اسلامی بر سر مذهب بود. از کسی که خود را دانشجو و پیرو دانش و دستاوردهای علمی امروزی می داند، حتی اگر به سیاست هم کاری نداشته باشد بسیار بعید است که دعوی خود با ولی فقیه را تا سطح باد زدن جنگ و دعوی مذهبی بکشاند. دانشگاه و دانشجو همیشه با آزادیخواهی و برابری طلبی مترادف بوده است. دخالت در سیاست امروز دیگر مسئله مهم و اصلی در جنبش دانشجویی است، "سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض" شعار جنبش دانشجویی در دانشگاهها است نه خواست عقب مانده و ارتجاعی "سنی گری". قطعاً کسانی از طیف قومی مذهبی ها هم در دانشگاههای کردستان پیدا می شوند که خواستشان را در کسب "اذان اهل سنت" می بینند که تحقق این خواست ارتجاعی تنها آمل و آرزویشان است اما هرچه هست با جنبش رادیکال و چپ دانشجویی هیچگونه سختی ندارد و حتی در مقابل خواست و مطالبات جنبش سراسری دانشجویی در ایران قرار دارد. این جنگ و دعوا متعلق به جنبش دانشجویی نیست. این نق زدن

اند. لحن، بیان، مضمون و فرمولبندیهای این بیانیه همین را می رساند. مثلاً استقبال بسیجیان از خامنه ای را با حس واقعی مردم کردستان یکی کرده اند و این بیانیه می خواهد بگوید مردم کردستان مثل بسیجیان نمی خواهند از خامنه ای استقبال کنند. برای صادر کنندگان بیانیه روشن بوده و هست که مردم کردستان همگام با مردم سراسر ایران در صدد بزیر کشیدن این حکومت هستند. نمایش قدرت جناب رهبر در کردستان این را نشان داد. سفر ولی فقیه به سنجند شکستی به تمام معنا برای حکومت و طیف نق زن آن بود. بیانیه این طیف خجولانه، توهم برانگیز و تا حدی مطیع، می گوید مواظب باشید که حضور بسیجیان در استقبال از ولی فقیه را به پای مردم ننویسید. صادر کنندگان بیانیه باید این را بدانند که حس واقعی مردم کردستان این است که سر به تن این نظام و این حکومت نباشد. شاید اگر حس با بسیجیان دچار تقارن یا اختلال شده باشد حس صادر کنندگان بیانیه است نه مردم کردستان. نویسندگان بیانیه تنها به این بسنده نکرده اند که خود را نماینده دانشجویان دانشگاههای کردستان جا بزنند بلکه به نمایندگی از طرف مردم کردستان هم این ژست آبرو باخته را بخود گرفته اند.

اشاره این بیانیه به سرکوب سی ساله مردم کردستان نیز، هنوز نمی تواند این سرکوب سی ساله را توضیح دهد. نویسندگان بیانیه منظورشان از این سرکوبها اعدامهای دسته جمعی و صحرایی چند دقیقه ای نیست، منظورشان حمله به تجمعات کارگران و حمله به اول مه ها در کردستان نیست، منظورشان حمله به زنان و جوانان تحت نام "امنیت اجتماعی" نیست، منظور این بیانیه از حمله سی ساله به مردم کردستان بمباران شهرها و اعدام و شکنجه فعالین عرصه های اجتماعی و شلاق زدن کارگران نیست و منظورشان هم قتل عام کمونیستها نیست بلکه خیلی شفاف و روشن منظورشان از این حمله به مردم کردستان (که منظور از مردم

کردستان در اینجا نویسندگان بیانیه است) حمله به سنی گری و "ما سنی ها" و "ما کردها" است که دعوی عقب مانده گرایشات حاشیه ای با حکومت اسلامی بوده و امروز دیگر هیچ گونه موضوعیتی برای مردم مبارز و آزادیخواه کردستان ندارد.

چنانکه اشاره شد این بیانیه بیانیه ای که خصلت نمای جنبش دانشجویی باشد نیست بلکه کاملاً در مقابل آن است. امروز اگر کسی بخواهد با نام دانشجو بیانیه بدهد و اعتراضی را علیه رهبر خامنه ای یا علیه حکومت سازمان دهد، با رادیکالیسمش، چپ و سوسیالیست بودنش با نقد باورهای ملی و قومی و با موضع ضد مذهبی اش در مقابل نظام و سران از فیلتر عبور کرده و عبور نکرده اش بیانیه میدهد. کاری که در سالهای اخیر چهره و سیمای جنبش دانشجویی را شکل داده و به اینجا رسانیده است. از این رو این بیانیه بیانیه دانشجویان دانشگاههای کردستان نیست و نمایانگر نظرات طیفی یا تعدادی از دانشجویان است که از دانشگاههای کردستان است که از موضع قومی مذهبی و بقول خودشان "ما سنی ها" و یا "کرد ستیزی" دارد با حکومت اسلامی و برای گرفتن امتیازی همچون پخش اذان به سبک "اهل سنت" از مسجد و تلویزیون محلی می جنگد. احتیاجی به جنگیدن برای این خواست ارتجاعی و عقب مانده هم نیست چرا که خامنه ای در سفرش به کردستان و در مقابل شرکت این طیف و جماعت ملی مذهبی های محلی در مضحکه انتخاباتی حکومتش وعده آزاد کردن آن را بهشان داده است.

بنظر می رسد که دست این طیف از دانشجویان در دانشگاههای کردستان به اندازه کافی رو شده است. بیانیه شان دارد داد می زند که تمام مسئله اش با خامنه ای و نظام اسلامی حق کشی مذهبی است نه حق کشی انسانی که شعار دانشجویان در دانشگاههای ایران

انتخابات و تشکلهای کارگری

از صفحه ۱

به امروز با وجود فراز و نشیب و دشواری های فراوان به فعالیت خود ادامه می دهد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در مورد انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری از هیچ کاندیدایی حمایت نمی کند و حمایت از هر کاندیدایی را در حیطه فعالیت تشکل های مستقل کارگری نمی داند. در نبود آزادی احزاب، بالطبع تشکل ما نیز از نهادهای اجتماعی که حامیش باشد محروم است، حال آنکه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی دخالت گری و فعالیت سیاسی را حق مسلم تک تک افراد افراد جامعه دانسته و برآن است که کارگران سراسر ایران در صورت ارائه منشور کارگری کاندیداهای ریاست جمهوری و دادن تضمین عملی به شعارهای انتخاباتی در این رابطه، می توانند در انتخابات شرکت کنند یا نکنند.

ولیکن سندیکای کارگران شرکت

واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به عنوان یک نهاد کارگری وظیفه خود می داند از تمام کاندیداها بپرسد تا در صورت ارائه جواب منطقی، کارگران تصمیم خود را در این رابطه بگیرند. ولی متأسفانه کاندیداهای ریاست جمهوری تا به حال در مطبوعات و کنفرانس ها و نشست های خبری و سفر های شهرستانی هیچ گونه اظهار نظری در مورد کارگران و بیکاران و مطالبات آنها نکرده اند.

امروزه برای کارگران و خانواده هایشان تشویق به شرکت در انتخابات یکی از بی معنا ترین بحث های موجود می باشد چرا که کارگران در سه دهه گذشته، تمام روسای جمهور از دوره جنگ و دوره سازندگی و دوره اصلاحات و هم چنین رئیس جمهور مهرورز را تجربه کرده اند.

ما از تمام همکاران و هم طبقه ای هایمان می خواهیم که اگر در محیط کار، خانه، درس و محل زندگی شان بحث انتخابات مطرح شد، این موضوع را از یاد نبرن که از خود و دیگران بپرسند که برنامه مدعیان ریاست جمهوری برای کارگران چیست؟

۱. نظر صریح کاندیداهای دوره دهم ریاست جمهوری در رابطه با تشکیل تشکل های مستقل کارگری و صنفی بدون دخالت دولت و کارفرما چیست؟

۲. سرکوب تشکل های مستقل کارگری چون سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را چگونه توجیه می کنند؟

۳. با توجه به مطالبات انباشته شده کارگران و خط فقر اعلام شده برای امسال که مبلغ ۸۵۰ هزار تومان اعلام شده اما از آن طرف دستمزد ماهانه کارگران را دوپست و شصت و سه هزار تومان تعیین نموده اند، آیا به خواست تشکل های کارگری که دستمزد

حداقل یک میلیون تومان را با امضاء کارگران کارخانجات سراسر کشور اعلام نمودند کردن خواهید نهاد؟

۴. نظر خود را نسبت به کنوانسیون های بین المللی کارگری، حقوق کودک، زنان و حقوق بشر اعلام نموده و بفرمائید چگونه به آنها پایبند خواهید بود؟

۵. نظر و برنامه خود را نسبت به امنیت شغلی، ایجاد شغل، مسکن و برنامه بیمه های بیکاری برای افراد بالاتر از ۱۸ سال، بیمه های درمانی برای آحاد مردم و لغو قراردادهای موقت که عامل فلاکت و فقر میلیونها خانواده کارگری شده، بیان نمایند؟

در طول این سال ها به کارگران گفته شده که فداکاری کنند و وضع فلاکت بار و بی حقوقی خود را بپذیرند در حالی که کارگران نه می توانند با امنیت و امید به محل کارشان بروند و نه برای آسودن به خانه هایشان - هزاران نفر لباس شخصی و نیروی انتظامی را به عنوان نیرویی که هیچ کار مولدی انجام نمی دهد و برای

محروم کردن و بازداشتن کارگران از زندگی آزاد آنها را برای هر جا و هر کاری لازم باشد با هر درجه از خشونت و اعمال زور آماده نگه داشته اند، اما یک روز را برای بیان خواست و مطالبات کارگران از آنها دریغ می کنند.

این ها موضوعاتی مختص به زمان انتخابات نیست، حال این مسائل در گرو همکاری تمام زحمتکشان است که این سد را در مقابل خود می دانند، برای عبور از این سد و رسیدن به جامعه که حل مسائل آن فقط به رئیس جمهور و مجلس محول نشده است باید کوشید. سعادت عمومی در گرو دخالت گری و همکاری عمومی است و نگذاریم دیگران برای ما تصمیم بگیرند. خودمان باید ابتکار عمل را بدست بگیریم.

سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه
اردیبهشت ۱۳۸۸

این جنگ و دعوا متعلق به ...

از صفحه ۳

است. در نتیجه کسانی که بیانیه شان را به نمایندگی از طرف دانشجویان دانشگاههای کردستان منتشر کرده اند، مطلقاً در راستای جنبش دانشجویی نیستند و فقط منعکس کننده خواست و مطالبات طیف معینی از مذهبیهون قوم گرا

در درون دانشگاههای کردستان است که در دفاع از مذهب و قومیت به دادن بیانیه می پردازند.

خوشبختانه امروز با رشد چپ، با وجود فضای آزادیخواهی و برابری طلبی، با گسترش و تقویت جنبش

کارگری و تشکلهایش و ضد مذهبی و ضد قومی گری این جنبشها در کردستان و در ایران این طیفها، بی ربط تر و آبرویخته تر از آنند که بتوانند به نمایندگی از طرف دانشجویان دانشگاههای کردستان ابراز وجود کنند. علیرغم اینکه این گرایش عقب مانده مذهبی و قومی از هیچ اعتباری در دانشگاههای کردستان برخوردار نیست اما دانشجویان چپ و سوسیالیست در

دانشگاههای کردستان باید در عقب زدن و حاشیه ای کردن این گرایش پوسیده حضور موثری داشته باشند. حرکت و همگامی در راستای جنبش دانشجویی در سراسر کشور، تداعی شدن و تداعی کردن این جنبش با خواست و آرزوهای جنبشهای اجتماعی چپ و رادیکال، خلاصی از هرگونه شائبه مذهبی و قومی، نمایندگی کردن مطالبات آزادیخواهانه، برابری طلبانه و

انسانی، حمایت از اعتراضات و مبارزات کارگری، حمایت از جنبش برابری طلبانه زنان و نقد و افشای ماهیت این گونه بیانیه های قومی مذهبی، کار فعالین دانشجویی چپ، سوسیالیست و توده دانشجویان در دانشگاههای کردستان است.

۲۵ مه ۲۰۰۹

ضرب و شتم شدید سه تن از بازداشت شدگان اول

ماه می

روز یکشنبه پس از آن که به جعفر عظیم زاده اجازه داده شد تا با همسرش ملاقات کند، بلافاصله ایشان را همراه با دو تن دیگر از دستگیر شدگان روز جهانی کارگر به نامهای سعید یوزی و محمد اشرفی به بند ۲۰۹ اوین انتقال داده و به ضرب و شتم شدید آن ها می

پردازند. بر اساس تماسهای گرفته شده از سوی زندانیان با خانواده های خود، به ویژه از اعمال فشار و اذیت و آزار شدید فیزیکی بر جعفر عظیم زاده خبر داده شده است، بطوری که ایشان ساعت ها پس از اعمال ضرب و شتم دچار سردرد و ناراحتی طاقت فرسا شده است. ماموران اطلاعات به این

وسیله خواسته اند که نامبرندگان به اتهامات واهی که بر علیه آن ها مطرح کرده اند، اعتراف کنند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن محکوم نمودن اعمال وحشیانه و رفتار غیر انسانی با کارگران و رهبران کارگری که تنها به جرم تلاش برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر هفته هاست در شرایط طاقت فرسا در زندان نگه داشته شده و در سلول های بازجویی مورد آزار و اذیت جسمی و روانی قرار گرفته اند،

مسئولیت حفظ جان و سلامتی تمامی دستگیر شدگان و از جمله جعفر عظیم زاده رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران را متوجه نهادهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی می داند و بر خواست آزادی بی قید و شرط دستگیر شدگان روز جهانی کارگر پای می فشارد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۳ خرداد ۸۸

مزدوران رژیم ...

از صفحه ۲

مردم آزادیخواه کردستان می خواهد که بطور متحد و یکپارچه به این آدم کشی نیروهای اسلامی اعتراض کنند.

کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران
۳۰ اردیبهشت ۸۸
۲۰ مه ۲۰۰۹

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!